برترین روزنامه‌ها

هسته‌های انقلابی و عصر یارگیری

همشهری

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: واقعیت این است که حیات انقلاب اسلامی به وجود هسته‌های فعال در میدان وابسته است. همان‌طور که دشمن هم تلاش می‌کند برای خود چنین هسته‌هایی بسازد. به امروز آلبانی نگاه نکنید. امریکایی‌ها از سال ۹۵ تصمیم گرفتند این هسته‌ها را با منافقین بسازند، لذا در کنار فشار رسانه‌ای تحریمی، کانون‌های شورشی منافقین را فعال کردند و بعد با تغییر نام‌شان به نام جوانان محلات در پاییز ۱۴۰۱ با آنها در خیابان عملیات کردند.

همواره رقابت جدی بین این هسته‌های مقاومت و ضدانقلاب وجود داشته است. امام خمینی از همان آغاز نهضت تلاش کردند این هسته‌ها را به وجود آورند و با آنها انقلاب را پیش ببرند. مثلاً در ماجرای فیضیه، امام به آنها نامه می‌نوشت. نزدیکان خود را برای تبیین آن و رساندن پیام‌شان به مؤثرین شهرها اعزام می‌کردند. مثلاً آیت‌الله خامنه‌ای را برای هماهنگی با آن هسته‌ها ابتدا به مشهد فرستادند و سپس ایشان به بیرجند رفتند تا در هیئات آنجا درباره آنچه بر فیضیه رفته سخنرانی کنند که در نهایت منجر به دستگیری ایشان توسط پهلوی شد. هنوز هم این جنگ هسته‌ها برقرار است. ضدانقلاب با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و با فشارهای اقتصادی می‌خواهد با هجوم شبهه و عملیات‌های رسانه‌ای، یارگیری کند. از آن سو هم هسته‌های انقلابی و جریان‌های خودجوش انقلابی مزیت انقلاب اسلامی بوده است.

راه فراروی قوه قضائیه

صبح نو

روزنامه صبح‌نو یادداشت خود را به بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان قوه قضائیه اختصاص داد و نوشت: با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. جنس دیدار مسئولان دستگاه قضا با رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره مهم بوده است، چه آنکه رهبر انقلاب اسلامی ضمن یادآوری مسئولیت دستگاه قضا، غالباً نکات و راه جدیدی مطرح می‌کنند که اگر مسئولان قوه قضائیه به صورت دقیق در همان راه حرکت کنند، حتماً نتایج مطلوبی حاصل می‌شود. دیدار امسال نیز چنین خصلتی داشت و راه جدیدی پیش‌روی دستگاه قضا گذاشته شد که امیدواریم به درستی طی شود.

رهبر حکیم انقلاب در دیدار روز سه‌شنبه با مسئولان قوه قضائیه «احیای حقوق عامه» را یکی از وظایف مهمی دانستند که در قانون اساسی بر عهده قوه قضائیه گذاشته شده است. نکته دیگری که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند «تأمین آزادی‌های مشروع» بود که از جمله وظایف قوه قضائیه به شمار می‌رود، البته در این بخش هم فرمودند: «خیلی دقیق نوشته‌اند، آزادی مطلق نیست، آزادی مشروع. آزادی مشروع همان است که شرع اجازه می‌دهد. قانون اساسی این است. در ذیل حکم شرع، آزادی‌های مردم باید تأمین بشود.» نویسنده اضافه کرده است: موضوع مهم دیگری که رهبر حکیم انقلاب درباره آن سخن گفتند، درباره نحوه برخورد با مراجعه‌کنندگان بود. اینکه رهبر معظم انقلاب می‌گویند: «کسی که مراجعه می‌کند به دادگستری، اگر چنانچه با اخم آن کسی که به او مراجعه شده مواجه بشود، این دل‌شکسته از آنجا بیرون می‌آید، ولو حالا شما آن اخم را بکنید، بعد هم به کارش رسیدگی کنید، این باز همان تأثیر سوء را دارد»، یعنی یک بار برای همیشه باید پرونده «جواب سربالا دادن» و احیاناً «بی‌احترامی» به مراجعه‌کننده در همه ادارات برچیده شود.

ملاحظاتی درباره ماجرای واگنر

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشتی با اشاره به حوادث هفته گذشته روسیه با بیان اینکه پرونده گروه «واگنر» و رئیسش «یوگنی پریگوژین» به همان سرعتی که با آغاز شورش باز شده بود، بسته شد، نوشت: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفت که اعضای این گروه یا با امضای قرارداد با وزارت دفاع، ذیل این وزارتخانه به خدمت ادامه می‌دهند یا روسیه را ترک کرده و به بلاروس می‌روند. خلاصه اینکه او رسماً انحلال این گروه شبه‌نظامی پروژه‌بگیر خصوصی را اعلام کرد. خبرهای پراکنده‌ای نیز از ورود پریگوژین به بلاروس منتشر شده و تحلیل‌های محافل غربی راجع به این شورشی نیز از «فرمانده شجاع» و «کسی که امپراتوری پوتین را از هم فروخواهد پاشید»، به سمت «چگونگی» و «زمان مرگ» او رفته! از دیگر سو مواضع رهبران غرب و ناتو که تا همین چند روز پیش چهارچشمی شورش واگنر را دنبال می‌کردند و به دنبال تشویق این گروه با وعده لغو تحریم‌ها بودند، تغییر معناداری کرده است. مثلاً جو بایدن با ادبیاتی که نشان از ضعف داشت، گفته: نه امریکا و نه ناتو از شورشیان واگنر حمایت نمی‌کردند و در آن دخالتی نداشتند. این تغییر فازی که در رهبران غرب و رسانه‌های‌شان درباره شورش واگنر به وجود آمده، در جریان‌های غرب‌گرای کشور خودمان نیز مشهود است که همه، به شکلی نشانه‌هایی از سرشکستگی، ناکامی و یأس دارد!

نویسنده در پایان نوشت: از قدیم گفته‌اند «ضربه‌ای که تو را نکشد، قوی‌تر می‌کند». اینکه پوتین با غلبه بر شورش، قوی‌تر شده یا خیر را می‌توان طی هفته‌ها یا ماه‌های آینده، در میادین جنگ متوجه شد.

فراتر از یک رسوایی!

وطن امروز

روزنامه وطن‌امروز یادداشت خود را به ذوق‌زدگی مقامات غربی از شورش واگنر اختصاص داد و نوشت: مقامات کاخ سفید و وزارت خارجه امریکا در مدت‌زمان کوتاهی که واگنر، شهر روستوف را به تصرف درآورد، نتوانستند ذوق‌زدگی خود را بابت این موضوع کتمان کنند. مقامات امریکایی تلاش کردند اقدامات گروه واگنر را منبعث از یک «روند محاسبه شده» قلمداد کنند نه یک «رفتار هیجانی»! آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا که نمی‌توانست ذوق‌زدگی ناشیانه و کودکانه‌اش از بروز اختلاف میان واگنر و ارتش روسیه را کتمان کند، مدعی شد این بحران هفته‌ها و بلکه ماه‌ها در روسیه به طول خواهد انجامید. به عبارت بهتر، خروجی دهها جلسه نهادهای امنیتی، کنگره و کاخ سفید، تکیه مشترک بر طولانی بودن جنگ داخلی در روسیه و لزوم بهره‌برداری آن در جنگ اوکراین (به سود اهداف ناتو) بود!

قدر متیقن و مخرج مشترک محاسباتی مؤلفه‌های مورد اشاره مشخص است: اینکه دستگاه‌های اطلاعاتی غرب و در رأس آنها امریکا، اساساً تصور یک روزه بودن بحران داخلی در روسیه را نکرده و حتی آن را به مثابه نقطه عطف مناقشه راهبردی خود و مسکو تلقی کرده بودند.

نویسنده اضافه کرده است: طی روزهای اخیر مقامات امریکایی و اروپایی جملگی در قبال این خطای محاسباتی خود سکوت کرده‌اند تا بلکه رسانه‌ها بتوانند تمرکززدایی عمومی از این رسوایی بزرگ محاسباتی و امنیتی غرب را تسریع کنند. صورت‌مسئله مشخص است! مجموعه‌ای که در غرب ادعای تسلط بر وقایع داخلی و مناسبات قدرت در داخل کشورهای رقیب امریکا و اروپا را دارد، در تحلیل حداقلی پارامترهای امنیت داخلی در روسیه دچار بدترین خبط ممکن شده است. بسیاری از تصمیمات گرفته شده از سوی جریانات رسمی قدرت در امریکا مانند کاخ سفید در قبال واگنر در حمایت ۲۴ساعته از این گروه، حاکی از تثبیت گزاره «دائمی بودن بحران» در ذهن امثال بایدن و بلینکن است! دو سیاستمداری که مدعی هستند ابعاد تئوریک و عملیاتی سیاست خارجی را به خوبی می‌دانند و تحولی در حوزه روابط بین‌الملل نیست که از دید آنها پنهان بماند! غرب بازی بزرگی را در مسکو و روستوف باخت تا حدی که از تاکتیک انکار شکست اطلاعاتی در روسیه فاصله بگیرد و روی تاکتیک خرید زمان تا فراموشی رسوایی محاسباتی اخیر در روسیه متمرکز شده است.

سکولاریسم قرآن‌سوز و خشونت آفرین غربی

گزارش

زینب شریعتی

در مجوز دادن به قرآن‌سوزی را محکوم کرده‌اند.

چرا مقابل سفارت ترکیه؟

سوئد البته با موضوع قرآن‌سوزی بازی سیاسی هم راه انداخته است. در بحبوحه بحران اوکراین موضوع عضویت سوئد و فنلاند در ناتو مطرح بود و ترکیه تنها مخالف آن بود. سوئد از ابزار قرآن‌سوزی برای فشار بر ترکیه برای موافقت با این الحاق استفاده کرد و گاه هم با عدم‌صدور مجوز با هدف جلب توجه سران آنکارا بهره برد. سال گذشته مجوز قرآن‌سوزی در مقابل سفارت ترکیه در استکهلم صادر شد و حالا شاید بتوان دریافت چرا از میان این همه کشورهای اسلامی، قرآن‌سوزی مقابل سفارت ترکیه انجام گرفت.

همچنین موضوع درخواست ترکیه از سوئد برای برگرداندن ۱۳۰نفر از اعضای گروه پ.ک.ک به این کشور که در سوئد پایگاه و حضور گسترده‌ای دارند، به مسئله‌ای چالش‌برانگیز میان آنکارا و استکهلم تبدیل شده است، لذا می‌توان گفت بازی سوئد با مقدسات مسلمانان به ادعای آزادی بیان هم مرتبط نیست و ابزاری برای بهره‌برداری‌های سیاسی سوئد در مسیر منافع خود است، البته اردوغان هم پس از ماجرای قرآن‌سوزی آب پاکی را روی دست سوئدی‌ها ریخت و گفت به دلیل قرآن‌سوزی توسط یک راست‌گرای افراطی، سوئد دیگر نمی‌تواند روی حمایت ترکیه برای پیوستن به ناتو حساب کند.

وقتی پارلمان ترکیه با پیوستن سوئد به پیکره ناتو موافقت کرد، پلیس هم گفت تجمع قرآن‌سوزی خطرات امنیتی دارد و به آن مجوز نمی‌دهد، اما گویا سوئد همچنان دنبال رضایت دولت ترکیه است که باز تجمعات قرآن‌سوزی آن هم در عید قربان مجوز می‌گیرد.

واکنش ایران

هتک حرمت قرآن کریم در سوئد، کاردار سفارت سوئد در تهران در غیاب سفیر این کشور را به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران کشاند و این دیپلمات سوئدی توسط مدیرکل غرب اروپای وزارت امور خارجه به این وزارتخانه احضار شد.

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز پیش از این، اقدام توهین‌آمیز صورت‌گرفته در سوئد را شدیداً محکوم کرده و گفته بود: دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران همانند سایر مسلمانان و آزاداندیشان جهان چنین اهانتی را برنمی‌تابند و به شدت آن را محکوم می‌کنند.

مدیرکل غرب اروپا در احضار کاردار سوئد ضمن محکوم کردن اقدام اخیر صورت‌گرفته در سوئد در اهانت به مهم‌ترین مقدسات اسلامی، سکوت و رفتار منفعلانه دولت سوئد را عاملی برای جسورتر شدن ناقضان یکی از اصول بنیادین و بدیهی حقوق بشر، یعنی اصل احترام به ارزش‌های دینی و آسمانی برشمرد. به کاردار سوئد اعلام شد در حالی که این روزها مسلمانان در حال انجام مناسک حج و بزرگداشت شعائر دینی و اسلامی هستند، اهانت به مقدسات آنها صرفاً در مسیر نفرت‌پراکنی و خشونت‌طلبی با سوءاستفاده از اصل آزادی بیان است.

مدیرکل غرب اروپا در احضار کاردار سوئد با بیان اینکه پیش از این نیز مشابه این اقدام نسنجیده در خاک سوئد انجام شده و مراتب ناخرسندی جمهوری اسلامی ایران قبلاً به طرف سوئدی منعکس شده بود، گفت: اگر سوئد بموقع جلوی اینگونه اهانت‌ها را می‌گرفت، الان شاهد هتک حرمت مجدد مقدسات اسلامی نبودیم.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران همگام با جهان اسلام، هرگونه تعرض به کتاب مقدس مسلمانان جهان و نیز مجوز صدور چنین اقداماتی را تحمل نمی‌کند، لذا انتظار می‌رود دولت سوئد به بدیهی‌ترین وظیفه خود در ممانعت از اهانت به ارزش‌های معنوی و دینی مسلمانان به صورت مسئولانه، مؤثر و بازدارنده عمل کند.

خشونت و آشوب مورد تأیید نیست، اما نخست‌وزیر سوئد نمی‌تواند معترض حمله به سفارت این کشور در بغداد شود. وقتی قرآن‌سوزی را که یک رفتار عملی خشونت‌زاست، آزادی بیان می‌دانند، آزادی بیان مردم عراق هم در حمله به سفارت سوئد باید محترم دانسته شود. فقط هم موضوع حمله به سفارت نیست، آزادی بیان مورد ادعای غرب، هر عملی - تأکید می‌کنیم هر عملی - را توجیه می‌کند.

قرار بود سکولاریسم با ادعای بی‌طرفی در عقیده و مذهب، خصومت‌ها و عداوت‌های ناشی از اختلافات یا تعارضات مذهبی را برطرف کند، اما در عمل خود به ستیزه با ادیان و به ویژه به وادی اسلام‌ستیزی افتاد. بی‌طرفی سکولاریسم فقط از باب احترام به بی‌دین‌ها و احترام به عقاید بی‌دین‌ها معنا یافته است، اما به پیروان اسلام که می‌رسد، سکولاریسم دیگر بی‌طرف نیست و اسلام و ضداسلام را یکسان نمی‌بیند، بلکه از ضدیت با اسلام، ضدیت با مسلمانان و ضدیت با گزاره‌های اسلامی استقبال می‌کند. مجوز پلیس سوئد برای برگزاری تجمع ضداسلامی همراه با قرآن‌سوزی مصداق همین موضوع است.

دولت سوئد به یک شهروند ۳۷ساله این کشور مجوز داد در روز عید قربان، تجمع ضداسلامی مقابل مسجد استکهلم برگزار و در جریان آن، پس از سخنرانی علیه اسلام، با پاره کردن و آتش زدن قرآن، به مقدسات حدود ۲میلیارد انسان در زمین توهین کند. پلیس سوئد می‌دانست که این اقدام خطرات امنیتی در پی دارد، اما مطابق بیانیه صادره، معتقد بود این خطرات «این ماهیت را ندارد که بر اساس قوانین فعلی تصمیم برای رد درخواست را توجیه کند»، یعنی صرف آنچه ممکن بود باعث رد درخواست صدور مجوز شود، خطرات امنیتی بوده، آن هم اگر ماهیتی داشته باشد که...! وگرنه اصل توهین به مقدسات و عقاید دیگران اشکالی ندارد!

پلیس سوئد ابتدائاً مجوزی برای این تجمع صادر نکرد، اما دادگاه استیناف تصمیم پلیس را رد کرد. پلیس دلیل تصمیم رد چنین تظاهراتی را نگرانی‌های امنیتی بعد از اهانت به قرآن در مقابل سفارت ترکیه در ژانویه که هفته‌ها اعتراضات، تحریم کالاهای سوئدی و تداوم مخالفت ترکیه با عضویت سوئد در ناتو را در پی داشت، عنوان کرده بود. پلیس سوئد نیروهای کمکی از سراسر کشور را فراخوانده تا ژست آزادی بیان سیاستمداران سوئدی خدشه‌دار نشود و مراسم قرآن‌سوزی حتماً برگزار شود! سیاستمداران سوئدی گرچه در کلام، از هتک حرمت قرآن انتقاد کرده‌اند، اما مدعی هستند باید از «آزادی بیان» دفاع کرد!

سرانجام این مراسم شنیع برگزار شد و خشم مسلمانان را برانگیخت.

آزادی بیان برای همه محترم باشد!

هیچ کشوری به قدر عراق فضای ملتهب علیه سوئدی‌ها را تجربه نکرد. مردم مسلمان عراق پرچم پادشاهی سوئد را از سفارت این کشور در بغداد پایین کشیدند، به داخل سفارت ریختند و آن را تحت نظر خود قرار دادند. اخبار غیررسمی و نیز پایگاه خبری العهد می‌گوید که دیپلمات‌های سوئدی و کارکنان سفارت سوئد از ترس معترضان، سفارت را ترک کردند، اما منابع رسمی این خبر را تأیید نکرده‌اند.

اولف کریسترسن، نخست وزیر سوئد در اولین اظهار نظر بعد از هتک حرمت به قرآن کریم از سوی شهروندان سوئدی، بدون محکوم کردن این اقدام و هرگونه توضیح اضافه، خواستار حفظ آرامش شد.

او در واکنش به خشم عراقی‌ها از آتش زدن قرآن و حمله به سفارت این کشور در بغداد گفت: «واضح است که ورود غیرقانونی افراد به سفارتخانه‌های سوئد در کشورهای دیگر کاملاً غیرقابل قبول است. من همچنین فکر می‌کنم که ما باید در اینجا در سوئد آرام‌تر باشیم. وضعیت امنیتی جدی است و دلیلی برای توهین به افراد دیگر وجود ندارد.»

خشونت و آشوب البته مورد تأیید نیست، اما از زاویه عقاید مورد قبول و مورد تبلیغ غرب، نخست وزیر سوئد نمی‌تواند نسبت به حمله به سفارت کشورش در بغداد یا هر اقدامی از این دست، معترض باشد. وقتی قرآن‌سوزی به اسم آزادی بیان توجیه می‌شود، طبق همین اعتقاد باید آزادی بیان مردم عراق در حمله به سفارت سوئد در بغداد هم محترم دانسته شود. فقط هم موضوع حمله به سفارت نیست، آزادی بیان مورد ادعای غرب، هر عملی - تأکید می‌کنیم هر عملی - را توجیه می‌کند و مجوز می‌دهد.

دولت‌های عراق، یمن، اردن، ترکیه، مراکش، عربستان، فلسطین، کویت، لبنان، مصر، روسیه، امریکا، شورای همکاری خلیج‌فارس، پارلمان عربی و بسیاری نهادهای غیردولتی مسلمانان اقدام سوئد

نمای نزدیک

رئیس‌جمهور: جامعه اسلامی از این توهین نخواهد گذشت

همراهی دولت سوئد با توهین‌کنندگان به قرآن کریم، واکنش رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، سیدابراهیم رئیسی را هم برانگیخت. رئیسی که در سفر به استان کرمان به سر می‌برد، در بخشی از سخنرانی‌اش در جمع مردم رفسنجان گفت: امروز تهدیداتی علیه دین و ارزش‌های دینی در کشورهای اروپایی وجود دارد که مدعی آزادی و احترام به عقیده دیگران هستند؛ به ارزشمندترین کتاب که برای هدایت بشر آمده اهانت می‌کنند، نه فقط ۲میلیارد مسلمان قلوب‌شان جریحه‌دار می‌شود، بلکه تمام ادیان الهی و آسمانی قلوب‌شان جریحه‌دار می‌شود.

رئیسی بیان داشت: توهین به قرآن، توهین به همه ادیان الهی و توهین به انسانیت، بشریت و همه ارزش‌های الهی است و جامعه اسلامی از این توهین نخواهد گذشت. وی اضافه کرد: مسلمانانی که گرداگرد کعبه طواف و نام خدا را بر زبان جاری می‌کنند، بیزاری و نفرت خود را از اهانت به ساحت مقدس عزیزترین عزیزان‌مان ابراز می‌کنند و آنچه مهم است اینکه جوانان بدانند اینها که مدعی توجه به آزادی بیان و عقیده هستند، چگونه مستبدانه و مستکبرانه مقدسات مسلمانان را مورد اهانت قرار می‌دهند که این اهانت قابل گذشت نیست و جوانان بدانند اینها دروغ می‌گویند و طرفدار آزادی بیان، قلم و عقیده نیستند، اگر طرفداری آزادی بیان بودند، به قرآن که جلوه آزادی است و به بشریت آزادی می‌آموزد، توهین نمی‌کردند.

بهارستان

رئیس کمیسیون امور داخلی:

انتخابات تناسبی نه تنها تبعیض نیست که عدالت است

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس معتقد است برگزاری انتخابات تناسبی در تهران نه تنها باعث تبعیض نمی‌شود، بلکه برای برقراری و تحقق عدالت باید انتخابات در حوزه‌هایی مانند تهران که نمایندگان زیادی دارد، به صورت تناسبی برگزار شود.

محمدصالح جوکار در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اصرار مجدد مجلس بر برگزاری انتخابات تناسبی در تهران اظهار داشت: ما معتقدیم زیرساخت‌های برگزاری انتخابات تناسبی در تهران فراهم است. وی با اشاره به مهم‌ترین ایراداتی که هیئت عالی مجمع تشخیص مصلحت نظام به مصوبه برگزاری انتخابات تناسبی در تهران گرفته است، گفت: آنان می‌گویند این مصوبه باعث ایجاد تبعیض می‌شود، چراکه بر اساس آن صرفاً انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه تهران با نظام انتخاباتی تناسبی برگزار می‌شود و در سایر نقاط کشور الگوی نظام انتخاباتی حداکثری است و باید نظام انتخاباتی در کل کشور یکسان باشد.

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس تصریح کرد: همچنین گفته می‌شود بر اساس مدل تناسبی انتخابات، شایسته‌گزینی محقق نمی‌شود. نظر آنان این است که فردی که بیشترین رأی را می‌آورد، باید به مجلس راه یابد اما در مدل تناسبی ممکن است فردی آرای خوبی هم کسب نکند ولی چون لیست وی درصدی از آرا را آورده است، به مجلس راه یابد.

جوکار بیان کرد: هیئت عالی مجمع تشخیص مصلحت نظام بر این باور است که بر اساس مدل تناسبی انتخابات ممکن است یک لیست ۲۰درصد آرای مأخوذه را بیاورد و لیست دیگری ۷۰درصد آرای مأخوذه را کسب کند و هر دو به مجلس راه یابند، در حالی که تفاوت آرای مأخوذه آنان بسیار زیاد است.

نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: پاسخ ما به آنان این است که نه تنها برگزاری انتخابات تناسبی در تهران باعث تبعیض نمی‌شود، بلکه برای برقراری و تحقق عدالت باید انتخابات در حوزه‌هایی مانند تهران که نمایندگان زیادی دارد، به صورت تناسبی برگزار شود. ادله ما در این زمینه آن است که همیشه یک لیست یکدست تهران به مجلس راه می‌یابند و دیگر لیست‌ها هم باید بر اساس درصد آرایی که کسب کرده‌اند، در مجلس کرسی داشته باشند. وی تأکید کرد: نحوه برگزاری انتخابات مجلس در تهران به صورت تناسبی هم کار دشواری نیست و به این صورت است که هر لیست، فهرست و هر شخص منفردی که در انتخابات حضور می‌یابد، نسبت به آرای کل یک رأیی دارد و به همان نسبت تعداد نمایندگان مجلس در تهران مشخص می‌شود.

رئیس کمیسیون امور داخلی و شوراها در مجلس در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چرا به رغم تأیید شورای نگهبان، هیئت نظارت این ایرادات را به طرح مجلس گرفته است، گفت: شورای نگهبان از نظر قانون اساسی و احکام شرع مصوبات مجلس را مورد بررسی قرار می‌دهد و این مصوبه را هم تأیید کرد، اما هیئت عالی مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به سیاست‌های کلی مصوبات مجلس را ارزیابی می‌کند که برخی از مفاد طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس و بحث برگزاری انتخابات تناسبی در تهران را تأیید نکرده است.

جوکار در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه با توجه به اصرار مجلس و ارجاع موضوع تناسبی شدن انتخابات تهران، کی قرار است مجمع تشخیص مصلحت نظام این موضوع را بررسی و تعیین تکلیف کند، گفت: هنوز به ما اعلام نکرده‌اند چه زمانی قرار است در این مورد تشکیل جلسه دهند.

یادداشت

پروین قائمی

سونامی اخبار بد

مشاهده چهره گزارشگرانی که در نشست‌های مطبوعاتی شرکت و سخت تلاش می‌کنند «اخبار بد را شکار کنند» و میسر نمی‌شود، دیدنی است، البته چنین جلساتی کمتر برگزار می‌شود و شرکت‌کنندگان در آنها به علت اعتیاد شدید به اخبار بد، اگر خبر بدی هم وجود نداشته باشد، با جهد تمام، آن را تولید می‌کنند و در لذتی شوم غرق می‌شوند و گویی فتح‌الفتوح کرده‌اند، آنها را هر چه سریع‌تر منتشر می‌کنند.

متأسفانه چهره‌های دانشگاهی و روشنفکران به جای مقابله با این پدیده شوم، گاهی خود به تولید این خبرها می‌پردازند و این آش هفت‌جوش را شورتر می‌کنند. نخبگان به جای اینکه دائماً هشدار دهند تولید و انتشار اخبار بد، آسیب‌پذیری جامعه را در برابر مشکلات بالا می‌برد و چنین رویه‌ای متضمن مخاطرات اجتماعی و روانی فراوانی است، خود بر نگرانی مخاطبان دامن می‌زنند. رسانه‌ها هم در تولید و انتشار اخبار بد با یکدیگر مسابقه می‌دهند و در واقع از این طریق ارتزاق می‌کنند.

پرسش اصلی این است که چرا افراد این قدر مجذوب و عاشق اخبار بد هستند؟ آیا مغز ما حقیقتاً برای دریافت اخبار بد طراحی شده است؟

واقعیت این است که تمرکز روی اخبار بد، افراد را دچار تزلزل عاطفی و اتخاذ تصمیمات غیرعاقلانه می‌کند. مشکل اساسی این است که وقتی افرادی آگاهانه از شنیدن اخبار بدی که در تغییر آنها تأثیری ندارند، طفره می‌روند و خود نیز اخبار بد را بیان نمی‌کنند، به بی‌مسئولیتی، بی‌سوادی و ناآگاهی متهم می‌شوند! گویی نشانه روشنفکری و آگاهی ضرورتاً نق زدن و گلایه کردن از اموری است که بسیاری از آنها تأثیری در زندگی ما ندارند و اساساً برای تغییرشان کاری از دست ما ساخته نیست.

دن آریلی، نویسنده کتاب «به طرزی قابل پیش‌بینی غیرعقلایی» می‌گوید: «وقتی همه درباره بحران اقتصادی حرف می‌زنند، به همه ما این احساس دست می‌دهد که باید چیزی تغییر کند، حتی اگر نکند!».

نکته جالب این است که اکثر مردم از خرج کردن و بی‌پول شدن وحشت دارند، اما پول را صرف چیزهایی می‌کنند که نه تنها نگرانی آنها را کم نمی‌کند، بلکه بر آن می‌افزاید. حرص افراد به خوردن و آشامیدن تنقلات و نوشیدنی‌ها و غذاهای کم‌فایده و حتی مضر که لاجرم منجر به چاقی‌های عجیب و غریب شده است، یکی از علائم نگرانی ناشی از انتشار دائمی اخبار بد و اضطراب‌آور است.

سؤال این است که آیا رسانه‌ها عمداً اعتیاد به اخبار منفی را در مخاطبان خود ایجاد می‌کنند یا به نیاز آنها به ترجیح اخبار بد به اخبار خوب پاسخ می‌دهند؟ واقعیت این است که در برابر هر ۱۷خبر منفی تنها یک خبر مثبت منتشر می‌شود. شاید لازم باشد متخصصان مغز و اعصاب به این پرسش پاسخ دهند که چرا مغز ما در برابر خبر بد بیشتر از خبر خوب واکنش نشان می‌دهد و اگر این نکته واقعیت داشته باشد، علت چیست؟

چرا اکثر انسان‌ها به جای اینکه تمایل داشته باشند خوشحال باشند و شادی کنند، دل‌شان می‌خواهد بترسند یا بنشینند و زانوی غم در بغل بگیرند و غصه چیزی را بخورند. تمایل به گلایه و گریه‌وزاری در ایرانی‌ها و علاقه به داستان‌ها و فیلم‌های سوزناک، از بسیاری از ملت‌ها بیشتر است. ما اساساً مایلیم از هر چیزی فاجعه بسازیم. بخشی از موضوع به این برمی‌گردد که اکثراً در میدان‌های واقعی جهاد برای تولید، نبرد با مشکلات، فعالیت‌های ورزشی و هنری و امثالهم کارآمد نیستیم و از آنجا که بشر اساساً تمایل به خودنمایی دارد و گاه دچار خودبرتربینی نیز است، با ذکر مصیبت و تهیه فهرست از انواع و اقسام بیماری‌ها و گرفتاری‌هایی که عمدتاً واقعیت هم ندارند و تنها زاده تصور و تخیل ما هستند، نیاز به برتر بودن، آگاه‌تر بودن و فرهیخته بودن خود را برطرف می‌کنیم، غافل از اینکه این حربه، کارآمد نیست و پس از مدتی تأثیرش را از دست می‌دهد و به ناچار باید مسئله و مشکل جدیدی را اختراع و ارائه کرد و هدف از خلقت را که رشد و تکامل دائمی است به فراموشی سپرد.

جان گاتمن، استاد روان‌شناسی دانشگاه واشنگتن در پژوهشی به این نکته اشاره کرده است که در زندگی‌های سالم خانوادگی، همواره تعادل بین اخبار مثبت و منفی حفظ می‌شود. هرگاه در زندگی خانوادگی، کفه ترازو به سمت اخبار منفی سنگین شود، فضا از کنترل خارج می‌شود و زندگی خانوادگی در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرد.

چه باید کرد؟

پژوهش‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد انسان‌ها با تکیه بر آگاهی و ممارست و تمرین می‌توانند عادات روانی خود را تغییر دهند. زمانی که تلاش می‌کنیم یک مسئله را از زوایای مختلف ببینیم، این توان را هم پیدا می‌کنیم که خیر را در آنچه رخ داده است، بیابیم. «الخیر فی ما وقع» کلام بلندمرتبه‌ای است که اکثراً بی‌توجه از کنار آن می‌گذریم، در حالی که یکی از ارزشمندترین درس‌های زندگی است. امکان ندارد در هر مسئله‌ای که به نظر ما فاجعه می‌رسد، خیری نهفته نباشد، اما ما به شدت مستعدیم همواره جنبه‌های منفی را ببینیم و از جنبه‌های مثبت غفلت بورزیم.

واقعیت این است که مغز ما به شکلی آیینه‌وار تصاویری را که به سمت او می‌فرستیم دریافت و ضبط می‌کند، لذا اگر مغز را به مثبت‌اندیشی عادت دهیم، به تدریج برداشت‌های مثبت جای منفی‌نگری را می‌گیرند و بازده فعالیت‌های اجتماعی و فردی ما به سرعت بالا می‌رود.

آیا مثبت‌اندیشی به معنی سهل‌انگاری، بی‌مسئولیتی و الکی‌خوش بودن است؟ بماند که الکی‌خوش‌بودن، بسیار بیشتر از الکی غمگین بودن و نق زدن به کار مغز می‌آید و دست‌کم روحیه انسان را برای مقابله با مشکلات در حالت آماده‌باش نگه می‌دارد.

مثبت‌اندیشی به معنی برنامه‌ریزی مجدد برای مغز است. برای دستیابی به چنین وضعیتی، اولاً باید در حد ضرورت در معرض اخبار بد قرار بگیریم و تنها به اخباری اهمیت دهیم که در زندگی ما تأثیر تعیین‌کننده دارند و مهم‌تر اینکه از دست‌مان برای تغییر آنها کاری برمی‌آید. بدیهی است افراد قادر به کنترل رسانه‌ها که از طریق انتشار اخبار بد کاسبی می‌کنند، نیستند، لذا باید سعی کنند کاملاً آگاهانه خود را در معرض این اخبار قرار ندهند تا دیدگاه سالم آنها نسبت به زندگی تخریب نشود و روحیه و توان جسمی و ذهنی خود را برای حل مشکلات واقعی زندگی از دست ندهند. باید افرادی که به اخبار بد معتاد شده و به وضعیت منفی عادت کرده‌اند، به وضعیت و شرایط مثبت عادت و در نتیجه با تغییر رویکرد، نگرش و رفتار خود را نیز اصلاح کنند.

شایان ذکر است حافظه افرادی که دائماً در معرض اخبار بد و نگران‌کننده هستند، نسبت به افراد مثبت‌اندیش ظرفیت کمتری دارد. نگرانی حالتی است که از مرور و تکرار دائمی افکار بد درباره آینده ایجاد می‌شود و وقتی به صورت مزمن درمی‌آید، «اختلال اضطراب» را ایجاد می‌کند که با اختلالات شناختی، اجتماعی و شغلی همراه می‌شود. اضطراب رابطه مستقیم با کاهش تمرکز و ظرفیت حافظه دارد. هنگامی که افراد دائماً به مسائل نگران‌کننده می‌اندیشند، ظرفیت حافظه آنها به سرعت محدود می‌شود و هنگامی که به افکار مثبت روی می‌آورند، این ظرفیت به سرعت افزایش می‌یابد. اگر نگرانی به حدی برسد که حافظه فعال انسان را آلوده و تمام ظرفیت آن را اشغال کند، مغز دیگر قادر نخواهد بود فعالیت فعلی خود را که باعث نگرانی می‌شود، تغییر بدهد و برای همیشه در حالت نگرانی باقی خواهد ماند. از نقش رسانه‌ها در تولید و انتشار اخبار بد و تأثیر آنها بر سلامت روانی جامعه بیشتر خواهیم گفت.